

## گرته برداری از تعبیرات کنایی و ساختارها

ابوذر اورکی (عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان)

در دو قرن اخیر، بسیاری از عناصر قاموسی و هم‌شماری از عناصر دستوری و ساختاری زبان‌های اروپایی به‌خصوص فرانسه و انگلیسی از طریق وام‌گیری و گرته‌برداری وارد زبان فارسی شده‌اند. (نجفی، ص ۷) گرته‌برداری را «پدیده بسیار پوشیده‌تر و پیچیده‌تر» از وام‌گیری قلمداد می‌کند که، در آن، عناصری از زبان خارجی کم و بیش با حفظ ترتیب اجزای خود وارد زبان بومی می‌شود. راه‌آهن، زیردریایی، پیشداوری، و نیروی انسانی نمونه‌هایی از آن‌اند. همچنین گرته‌برداری یکی از انواع انتقال فرهنگ شمرده شده است.

(← شاتلورت و کاوی، ص ۳۹ به نقل از Hery & Higgins)

نجفی (همان، ص ۹-۱۳)، برای گرته‌برداری، دو نوع معنایی و نحوی قایل است. نحو رکن اصلی زبان است که اگر در آن تغییراتی روی دهد، شالوده زبان آسیب می‌بیند (← همان، ص ۱۲). سمیعی گیلانی (ص ۱۷۸) مهم‌ترین خطر ناشی از ترجمه‌ها را متوجه ساختار و عناصر دستوری زبان می‌داند که، در واقع، تشخیص‌بخش زبان‌اند. به زعم او، آثار منفی ترجمه‌ها گرته‌برداری در سطوح صرفی و نحوی و معنایی و وارد کردن عناصر دستوری و فرهنگی بیگانه در زبان بومی است.

### گرفته‌برداری در زبان رسانه‌های گروهی

گرفته‌برداری در زبان رسانه‌های گروهی به‌ویژه صدا و سیما از این لحاظ که به سرعت تقلید و شایع می‌گردد سلامت زبان مشترک را دچار خطر بزرگی می‌سازد. این خطر به‌خصوص در عرصه تعبیرات کنایی و ساختارهای گرفته‌برداری شده و خیم‌تر است. به عنوان نمونه، در صدا و سیما، عبارت «همه‌گزینه‌ها هنوز روی میز است» در مطالب سیاسی و مربوط به مذکرات هسته‌ای به کار رفته است که از اصطلاح انگلیسی *The options are still on the table* گرفته‌برداری شده است که «همه‌گزینه‌ها هنوز در دستور است» را می‌توان در جای آن نشانند. یا عبارت «ما هیچ گزینه‌ای را از روی میز بر نمی‌داریم» که از *We are not going to take any options off the table* گرفته‌برداری شده که عبارت «ما هیچ گزینه‌ای را از دستور خارج نمی‌کنیم» را به جای آن می‌توان اختیار کرد. همچنین عبارت *If I could create an option where Iran would destroy every nut and bolt of their nuclear program...* اوپاما، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، در مورد برنامه هسته‌ای ایران به کار برده به «اگر می‌توانستم راهی را انتخاب کنم که در آن تمام پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای ایران را نابود کنم...» ترجمه شده است که، در آن، *nut and bolt* گرفته‌برداری شده و «ساز و کار» را می‌توان معادل آن در زبان فارسی پیشنهاد کرد.

نمونه دیگر را در عبارت *You got is seconds to run for your life* می‌توان سراغ گرفت که نماینده رژیم صهیونیستی به هنگام دفاع از خود در قبال انتقاد جامعه جهانی از حملات آن رژیم به نوار غزه در سازمان ملل متحد با اشاره به حملات موشکی حماس به کار برده است. در پخش آن از شبکه خبر، این عبارت به صورت «تنها ۱۵ ثانیه زمان دارید تا زندگی خود را حفظ کنید» ترجمه شد که، در آن، با گرفته‌برداری، «زندگی» در ترجمه *life* اختیار شد که، در این بافت، مناسب به نظر نمی‌رسد و عبارت «برای حفظ جان خود تنها پانزده ثانیه مهلت داشتید» را می‌توان در ترجمه آن پیشنهاد کرد.

نمونه گویای دیگر «سیاست چماق و هویج» است که از *carrot and stick policy* گرفته‌برداری شده و بارها در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به کار رفته است و، در زبان فارسی، معادل باکفایت «سیاست تهدید و تطمیع» برای آن مناسب است.

گرفته‌برداری ساختاری «می‌رویم که داشته باشیم» از *let's have we are going to have* یا *let's have* در یکی از برنامه‌های صدا و سیما، نمونه‌بس ناشیانه و ناهنجاری است که، به جای آن، «می‌رویم / برویم به سراغ...» را می‌توان پیشنهاد کرد. در همان برنامه یکی از مجریان، در سپردن نوبت به مجری دیگر، می‌گوید «صحنه مال شماست» که از *you have the floor* گرفته‌برداری شده و، به جای آن، «حالا نوبت شماست»؛ «نوبت شماست که صحبت کنید»؛ «نوبت شماست که برنامه را اجرا کنید» می‌توان پیشنهاد کرد. نمونه شاخص دیگر در همین برنامه «برو در افاق محو شو» است که از *to disappear into/over the horizon* گرفته‌برداری شده که می‌توان آن را به «برو دیگر پیدایت نشود» یا «برو دیگر نبینمت» برگرداند.

جمله «این خوبه که...» گرفته‌برداری شده از *it is good that...* نیز تقریباً در برنامه‌های تلویزیونی ایران شنیده می‌شود که، در آن، «این» (*it* که در زبان انگلیسی الزامی است) زاید است و عبارت باید به «خوبه که...» برگردانده شود.

اصطلاحات و ساختارهای گرفته‌برداری شده از زبان‌های دیگر به‌ویژه زبان انگلیسی در برنامه‌های صدا و سیما پر شمار و شایع است چندان که فرصت گنجاندن آنها در این مقاله نیست. از این رو، به آوردن نمونه‌هایی برگرفته از برنامه‌های پر بیننده و شنونده اکتفا شده است.

در حالتی که متناظر تعبیر بیگانه در زبان بومی با همان مزایا و کیفیت وجود داشته باشد گرفته‌برداری وجهی ندارد. چنین گرفته‌برداری‌هایی عموماً فرآورده نویسندگان و مترجمانی است که اندوخته زبانی آنان فقیر و کم‌مایه است و با امکانات وسیع و گنجینه پرمایه زبان بومی آشنائی لازم ندارند. در این گرفته‌برداری‌ها بیشتر تعبیرات کنایی است که مسئله‌ساز است و متناظر آنها را عموماً در زبان بومی به همان صورت کنایی می‌توان یافت. اما یافتن آن تنها از کسانی ساخته است که در این عرصه تتبع داشته باشند و یا حسن انتخاب و خوش ذوقی از اندوخته‌های خود آن را که در خور موقعیت گفتمانی باشد برگیرند و به کار برند.

ناگفته نماند که عناصر زبانی گرفته‌برداری شده در برنامه‌های صدا و سیما، به جهاتی، پذیرفتنی است. از جمله در مواردی که عنصر گرفته‌برداری شده جافتاده باشد و مقبول عام و خاص آمده باشد یا زبان خاص رسانه گروهی که در آن تعابیر تصویری به تعابیر

انتزاعی رجحان دارد به گرفته‌برداری راه دهد یا در حالتی که متناظر تعبیر بیگانه در زبان بومی وجود دارد اما تعبیر زبان بیگانه زنده‌تر و امروزی و به‌خصوص برای نسل جوان آشنا‌تر است و به این اعتبار کاربرد آن در موقعیت‌های رسانه‌ای و گفتمانی خاص اشکالی ندارد و می‌توان گفت زبان بومی را غنی هم می‌سازد.

اینک چند نمونه از این دست:

□ «درها را به روی... باز کرد.» گرفته‌برداری شده از... he opened the doors to... (به معنی «به کسی / چیزی مجال دادن») که تصویری است و از این جهت کاربرد آن در رسانه‌ی گروهی اشکال ندارد.

□ «افق‌های تازه‌ای را برای... گشود» که غیر مستقیم از... opened new horizons to... به معنی «فرصت‌های تازه‌ای را به... نشان داد» گرفته‌برداری شده است و، در موقعیت‌هایی، کاربرد آن مرجح است.

□ life's ups and downs نمونه دیگری است که به «بالا و پایین‌های زندگی» برگردانده شده و در زبان فارسی متناظر آن -فراز و نشیب زندگی- وجود دارد اما اگر در هوای نوجویی حتی اگر از راه گرفته‌برداری باشیم «بالا و پست زندگی» را هم داریم که می‌توان درازای آن به کار برد.

□ برای نشان دادن عصبانیت بسیار زیاد اصطلاح «فیوز پراندن» به کار رفته که گرفته‌برداری از to blow a fuse است و در زبان فارسی، «از کوره در رفتن» را متناظر آن داریم. اما در بافت‌هایی گفتمانی چه بسا «فیوز پراندن» امروزی‌تر و زنده‌تر است و به این اعتبار کاربرد آن را می‌توان مجاز شمرد.

□ به‌ویژه در فیلم‌های مستند و برنامه‌های علمی «درکسری از ثانیه»، گرفته‌برداری شده از in a fraction of a second، پریسامد است که می‌توان «در یک چشم به / بر هم زدن» متناظر آن اختیار کرد، و اگر به ملاحظه مطابقت کامل با اصل یا افزودن تعبیر تازه‌ای برای معنای مراد آن منظور نظر باشد «در کمتر از یک ثانیه» گزینه مناسبی به نظر می‌رسد.

□ «موجی از...» گرفته‌برداری شده از... a wave of...، در بافتی نظیر «موجی از انتقادات، از خشونت، از ترس، از وحشت، از عشق، از توهم، از تیرکات، از خنده، از شادی، از امید، از بیم، از بیماری‌ها» و جز آنها جا گرفته که نمودار عمق و دامنه نفوذ آن در زبان فارسی است. اگر

بنا باشد نوعاً از گرته‌برداری در این کاربردها پرهیز کنیم باید برای هریک از آنها یا دسته‌ای از آنها از تعبیری جداگانه، علاوه بر موج مددگیریم که تازه معلوم نیست آن قوت و کفایت معنایی را داشته باشد. از این رو شاید راحت‌تر آن باشد که، به آن، جواز باقی ماندن در گنجینه اصطلاحاتی زبان فارسی داده شود.

□ دو اصطلاح «رو/ در هوا بودن» و «رفت تو دیوار» گرته‌برداری شده به ترتیب از *up in the air* و *go to the wall* از جمله اصطلاحاتی است که از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شده‌اند و به‌ویژه در زبان قشر جوان بیشتر به چشم دیده می‌شوند در حالی که متناظر آنها—پادروها بودن؛ سر کسی به دیوار خوردن— در زبان فارسی وجود دارد.

□ «زیر یک سقف»، گرته‌برداری شده از *under one/ the same roof* به زیرکی جای خود را در زبان فارسی باز کرده و به صورت کلیشه درآمده و جا افتاده است.

### سخن آخر

پاره‌ای از عناصر واژگانی زبان‌های کشورهای پیشرفته به ذوات و مفاهیمی نوظهور تعلق دارند که طبعاً متناظر بسیاری از آنها در زبان فارسی هنوز ساخته نشده است و برای تقویت این زبان شایسته است به همّت اهل فن و متخصصان زبان آگاه ساخته شود. اما آنچه آسیب جدی به زبان مشترک ملی می‌رساند از ناحیه عناصر دستوری به خصوص ساختارهای نحوی همچون عناصر فرهنگی است که زبان و فرهنگ بومی به آنها قائم است. اگر زبان فارسی با ورود انبوهی از عناصر واژگانی عربی طی قرن‌های متمادی و، در دو قرن اخیر، ورود واژه‌های فرنگی هویت خود را حفظ کرده از آن روست که عناصر دستوری— واجگان، الگوهای هجایی، ساخت‌های واژه‌ای، ساختارهای نحوی، و معانی ساختاری— همچون عناصر فرهنگی بومی آن محفوظ مانده است. بنابراین، خطری که قوام زبان ملی ما را تهدید می‌کند از همین جهات است. مواجهه با این خطر تنها با آشنائی عمیق و وسیع نویسندگان با این عناصر و ذخایر و توانائی آنان در استفاده خلاق از امکانات بی‌شمار زبان پر قوت و پرمایه فارسی امکان‌پذیر است. باری، این رسالت به اهل قلم و مؤلفان و مصنفان محول گشته که اگر از عهده ایفای آن برآیند ضامن سلامت و تقویت زبان و مصونیت فرهنگ ملی ما از آسیب نفوذ عناصر ناسالم فرهنگی خواهند بود.

## منابع

- سمیعی (گیلانی)، احمد، نگارش و ویرایش، سمت، چ ۱۳، تهران ۱۳۹۲ (چاپ اول ۱۳۷۸).  
شاتل‌ورت و کاوی، ترجمۀ فرحزاد، فرزانه، محمود تجویدی، مزدک بلوری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات  
مطالعات ترجمه، یلدا قلم، تهران ۱۳۸۵.  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۳). (<http://www.persianacademy.ir>).  
نجفی، ابوالحسن، «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، دربارهٔ زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۵.  
وبگاه شخصی غلامعلی حداد عادل (۱۳/۱۰/۱۳۹۳). (<http://haddadadel.ir/interviews/16-interview>).  
HERVY, S. and Ian HIQJINS (1992), *Thinking Translation: A Course in Translation Method: French to English*, London: Routledge.  
SHUTTLEWORT, M. and Moira COWIE (1997), *Dictionary of Translation Studies*, Manchester: St. Jerome Publishing.  
VINAY, J. P. and Jean DARBELNET (1958/1995), *Comparative Stylistics of French and English: A Methodology for Translation* (Translated and edited by Juan C. Sager and M. J Hamel), Amsterdam and Philadelphia, John Benjamins Publishing Company.  
YULE, G. (1985), *The Study of Language*, United Kingdom: Cambridge University.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی